

سندیکاهای کارگری

موضوع مورد بحث ما در سلسله مقالاتی که در نظر داریم تحت عنوان فوق برشته تحریر به کشیم . یکی از مسائل حساس اجتماعی و سیاسی جهان امروز یعنی نهضت کارگری و سندیکاهای آنان می باشد .

سندیکاهای کارگری چنان نقش قاطعی در اجتماع دارند ، که هر ایده اولوژی سیاسی که بتواند اعتماد رهبران آنها را جلب نموده و به پشتیبانی ایده اولوژی خود وادار موقوفیت طرفداران آن ایده اولوژی را تقریباً باید تأمین شده تلقی نمود مسئله نهضت کارگری و سندیکاهای آنان ملازمه جبری سیر تکامل تکنولوژی میباشد که خواهی نخواهی عده کثیری بنام کارگران صنعتی را پدید آورده و آنان را تابع مرکز نقل اقتصادی جدیدی مینماید .

طبیعی است این سندیکاها و مبارزه صنعتی کارگران در ابتدای امر یعنی در حال پیدایش و تکوین صنایع بواسطه بی تجربگی و عدم تجانس بادیسپلین لازم محیط کار جدید یعنی کارخانجات و غیره موجب یک سلسله اشتباهات و ندانم کاری ها میگردد .

بررسی نهضت کارگری جهان در شرایط فوق الذکر مویذ این نظر بود وحتی نشان میدهد که در بعضی کشورها این جنبش در جهت تخریبی افتاده و منجر به از بین بردن ماشین آلات بوسیله کارگران شده است .

ولی بازهم تجربه نشان میدهد که مسئولین امر و رهبران اجتماعی که توانسته اند این نهضت را در طریق صحیح خود هدایت نمایند به نتایج بسیار ارزنده رسیده وازاین نیروی شگرف اجتماعی در توسعه و تکامل اقتصادی و صنعتی کشور بهره برداری نموده و می نمایند .

بطور کلی سطح فکر کارگران صنعتی بواسطه تماس دائم با ماشین آلات سنگین و کارهای دقیق فنی وطنی کردن دوره های تخصصی بالاتر رفته و سب میگردد که این قشر اجتماع با افکار بازتر و دید وسیع تر وسائل رفاه بیشتری را طلب نمایند .

تمرکز این افراد بنام کارگران صنعتی در محیط کوچک کارخانجات در مقام مقایسه با محیط کار وسیع دهقانی و پراکندگی آنان از یکطرف ، و اشتراك منافع در مقابل کارفرما از طرف دیگر ، و سطح فکر بالاتر موجب

میگرد که برای تأمین خواسته های اقتصادی خود بصورت سندیکا متشکل شده وارد عرصه مبارزه گردند.

تا این مرحله خواسته و مبارزه کارگران کاملاً طبیعی بوده و از لحاظ اصول اشکالی ندارد و دولت در کشور های دموکراسی که نیروی سومی بین کارگران و کارفرمایان می باشد باید عادلانه اختلافات آنان را حل و فصل نموده و این نهضت را در راه صحیح هدایت نماید.

ولی متأسفانه بآیدایش نهضت کارگری در قرن نوزدهم ایده اولوژی سیاسی جدیدی نیز بنام کمونیزم بوسیله کارل مارکس و انگلس به جهانیان عرضه شد که موضوع مبارزات صنفی کارگران برای زندگی بهتر دستاویز دست پیروان آن ایده اولوژی واقع شده و با تاکنیک های متنوع در هر جا که توانسته اند این نهضت را از طریق صحیح و اصولی خود منحرف نموده و وسیله برای موفقیت خود قرار دادند و بهمین لحاظ ما باید ابتداء تا حدودی وضع کشور خود را مجسم نموده و سپس به بررسی نهضت کارگری پردازیم.

بطور کلی کشوری در جهان امروز میتواند در راه ترقی و تمدن گام های اساسی بردارد که رهبران و مسئولین امر برنامه صحیح صنعتی شدن کشور را واقع بینانه با توجه با امکانات عملی طرح ریزی و اجراء نمایند و خوشبختانه کشور ما در راه صنعتی شدن گام های اساسی برداشته و با عقد قرار داد ذوب آهن به تحول جدید و عمیقی دست زده است که تحقق موجودیت این صنایع سنگین خواهی نخواهی یک سلسله تغییرات اساسی و جدی در تمام شئون کشور بوجود خواهد آورد.

صنعتی شدن هر کشوری الزاماً توأم با یک تحول عمیق اجتماعی و گسستن پیوندهای کهن و بوجود آمدن روابط جدید در اجتماع میگردد. این تغییر تحول همه جانبه بوده و حتی در روابط خانوادگی هم اثر میگذارد و بهمین لحاظ در اجتماع در حال توسعه و صنعتی شدن که مشمول وضع حال کشور ما است باید مسئولین امر عمیقاً این تحول و تأثیر آن را در شئون مختلف اجتماعی مورد بررسی قرار داده و سعی نمایند در جهت این تحول نسبتاً یک هم آهنگی بین رشته های مختلف بوجود آورند.

ما در این مقالات این تغییر و تحول را فقط از جهت نهضت کارگری و سندیکا‌های کارگری مورد توجه قرار داده و تجزیه و تحلیل خواهیم نمود. علت این امر آن است که موضوع بررسی کامل اجتماعی این تحول رشته درازی است که احتیاج به مطالعات بسیار عمیق بوسیله کارشناسان و متخصصین امر دارد.

با توجه به توضیحات بالا و موقعیت حساس کشور ما از جهت سیاسی و هم چنین از لحاظ این که در راه صنعتی شدن گام‌های اساسی برداشته و در چند سال آینده با تعداد خیلی بیشتر کارگران صنعتی زویرو خواهد شد موضوع نهضت کارگری اهمیت فوق‌العاده پیدا می‌نماید که باید کاملاً مورد توجه مسئولین امر واقع گردد.

ما در این سلسله مقالات سعی خواهیم نمود تا حدود امکان مبارزات صنعتی کارگران ایران را در گذشته و حال و آینده مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

مبارزات صنفی کارگران ایران در گذشته

صرف نظر از اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها که قبل از شهریور ماه ۱۳۲۰ اظهار وجودی نموده و مبارزاتی هم کرده‌اند، میتوان گفت مبارزات سندیکائی کارگران ایران بطور جدی از شهریور ماه سال ۱۳۲۰ به بعد شروع شده است.

در این مقالات سعی خواهیم نمود که اشتباهات گذشته و اشکالات کار را واقع بینانه مورد بررسی قرار داده و بنظر خوانندگان گرامی برسانیم. آنچه مسلم است هر پدیده اجتماعی که در شرایط زمان و مکان معینی بوجود آمده و در مرحله پیدایش و تکامل قرار دارد باید طبق اصل مسلم علم الاجتماع در راه تکامل قدم برداشته و روز بروز مکمل‌تر گردد و سندیکا های کارگری هم یکی از این پدیده های اجتماعی است که به نسبت تکامل صنعت باید راه تکاملی خود را به پیماید.

بنا بر این اگر سندیکاهای کارگران ایران حداقل از شهریور ماه سال ۱۳۲۰ به بعد بر پایه صحیح و تجربیات بین‌المللی طبقه کارگر بنیان‌گذاری شده بود، امروز که دهها سال از آن تاریخ میگذرد باید به سندیکا های نیرومندی تبدیل میشد که میتواند از حقوق کارگران به نحو بسیار شایسته تر از امروز دفاع نموده و نقش اساسی در توسعه و تکامل اقتصادی کشور میداشت. ممکن است بعضی‌ها عدم تکامل و رشد سندیکاهای کارگران را منحصرأً تقصیر دستگاه حاکمه و دولت بدانند که در گذشته مانع فعالیت آزاد و تکامل آنها گردیده است.

شکی نیست که دستگاه حاکم و دولت های گذشته در عدم امکان توسعه و تکامل سندیکاهای کارگری نقشی داشته است ولی آنچه مهم است باید دید چرا دولت که حتی در زمانهای گذشته متکی به فئودالها بوده و از لحاظ تاریخی در مقابل بورژوازی جدیدالولاده ایران قرار داشته‌اند با مبارزه

کارگران طبق اصول که با بورژوازی دشمن مشترك مبارزه مینموده‌اند مخالفت کرده و مانع از نیرومندی و تکامل آنان شده است ؟

مهم ترین و شدید ترین انگیزه مخالفت دولتهای وقت و عناصر ناسیونالیست و وطن پرست کشور با مبارزات سندیکائی کارگران ایران حتی وحدت فئودالها و بودژوازی ایران در مقابل سندیکا های کارگری بعلت انحراف مبارزات سندیکا‌های کارگران ایران از اصول مبارزه سندیکائی و آلت دست سیاسی واقع شدن آنان بوده است .

این انحراف اصولی سندیکا‌های کارگری و توأم شدن مبارزات اقتصادی آنان با مبارزات سیاسی طرفداران ایده اولوژی کمونیزم در ایران باندازه واضح و آشکاراست که تصور نمیرود کسی در آن مورد حتی تردیدی داشته باشد و بطور کلی تمام مردم (شورای متحده مرکزی و حزب منحلّه توده ایران را) سازمان واحدی میشناختند که دو نام داشت .

در چنین شرایطی وحدت کلیه عناصر ناسیونالیست و وطن پرست در مقابل این يك امر کاملاً طبیعی و مسلم بوده است .

چون موضوع مبارزات صنفی کارگران مطلقاً مطرح نبوده و اگر گاهی هم مسئله بهبود زندگی کارگران یا اضافه دستمزد آنان را مطرح مینمودند منظور اصلی کشاندن توده بیشتری از کارگران به صحنه مبارزه برای تأمین نظریات سیاسی بوده است . نه واقعاً برای تأمین بهبود زندگی آنان .

باید توجه داشت که کارگران ایران که دفعتاً در مقابل تحولات غیر منتظره و حتی غیر متصوره بدون هیچگونه تجربه در مبارزات صنفی واقع شده بودند بطور طبیعی نمیتوانستند خود را از این جریان حاد سیاسی بر کنار نگهدارند بنا بر این منظور این نیست که کارگران ایران عالماً و عامداً باین جریان ملحق شده‌اند بلکه منظور اصلی این است که آنان بمقاصد غیر ملی گردانندگان جریانات سیاسی مخالف استقلال مملکت آشنا نبوده و قادر به تجربه تحلیل اوضاع و احوال آن روز نبودند که بتوانند تشخیص دهند در جهتی که حرکت مینمایند به کجا خواهند رسید ؟

امروز به عده کثیری از کارگران ایران و هم چنین بمقیاس خیلی بیشتری بکارگران جهان مسلم شده است که کمونیزم بر خلاف ادعا های خود پس از موفقیت هرگونه آزادی را از کارگران سلب نموده و با چنان دیکتاتوری با آنان رفتار مینماید که حتی جرئت شکایت از زندگی خود را در نزد خانواده‌شان هم از دست میدهند .

همه کارگران میدانند که در رژیم کمونیستی نه این که حق اعتصاب

برای کارگران مطلقاً وجود ندارد بلکه هیچ فردی تحت هیچ عنوانی حتی به تنهایی حق تقاضای دستمزد اضافی یا مزایائی دیگر نمی تواند بنماید .
دیگر به اکثریت کارگران مسلم شده است که یقعدرانی کمونیستها فقط تازمانی است که حکومت را در دست بگیرند و بعد از این که قدرت را به دست گرفتند به بهانه اینکه حکومت کمونیستی همان حکومت طبقه کارگر است تمام آزادیها را که کارگران در رژیم دموکراسی دارند از آنان سلب نموده و استدلال مینمایند چون حکومت متعلق بخود کارگران است و آنان مالک تمام وسائل تولید و منافع حاصله از آنها هستند لذا حق ندارند علیه منافع خود بوسیله اعتصاب یا مطالعه دستمزد اضافی و مزایای دیگر اقدام نمایند .

نتیجه حاصله از رژیم کمونیستی برای کارگران این است که این رژیم ، گذشته از سلب هر نوع آزادی ، زبان ، قلم ، بیان آنها را محکوم مینماید که تا آخر عمر هر مقدار دستمزدی که دولت برای آنان معین مینماید که معمولاً باندازه تجدید انرژی برای ادامه کار است بدون کوچکترین حق اعتراض دریافت نموده و بزندگی پر مشقت خود ادامه دهند .
این خلاصه از دورنمای زندگی کارگران سندیکاهای موفق است که از مبارزه اصولی صنفی منحرف شده و آلت دست اجرای مقاصد کمونیست ها واقع میشوند .

وضع سندیکاهای شکست خورده پیروان کمونیست ها هم تصور نمیرود احتیاج به توضیح داشته باشد چون کارگران ایران نمونه از آن را عملاً دیده و مدت زمانی هم ناراحتیها و خساراتی ناشیه از این اشتباه دامن گیرشان شده بود .

از این بحث این نتیجه حاصل است که با نهضت کارگری ایران و سندیکاهای آنان که بر پایه صحیح و اصولی واقع شده و از منافع صنفی کارگران و برای بهبود شرایط اقتصادی ، زندگی آنان مبارزه نماید مخالفت نشده بلکه با سازمانهاییکه ظاهراً نام سندیکاهای کارگری داشته عملاً و ماهیتاً آلت دست اجرای مقاصد دشمنان استقلال و حاکمیت سیاسی این مملکت بوده اند مبارزه شده است .